

گاندی

«فلسفه عدم خشونت»

سمیرا محترم

انقلابی و آمیخته با خشونت قرن بیستم، جنگ، شورش، حکومت های توتالیتر و نهضت های آزادی خواهی در بخش وسیعی از دنیا، قرن دو جنگ جهانی، بمب و بازدارندگی اتمی و تصفیه دگراندیشی با روش های عقلانی بود. در این میان، به قول نیچه، چه خون ها که در پای مفاهیم مجردی چون آزادی، حقوق و... ریخته شد که در بسیاری از موارد هم آنچه بعد از این همه به دست آمد جز افسوس نبود. قرن بیستم علاوه بر اسامی که بدان نامیده می شود، قرن جنبش ها و نهضت های خشونت آمیز بود. یکی از اندیشه گاندی به گوش می رسید.

گاندی در مقام یکی از پایه گذاران معاصر اندیشه عدم خشونت، از جمله متفکران

قرن بیستم میلادی، قرن مملو از انقلاب، جنگ، شورش، حکومت های توتالیتر و نهضت های آزادی خواهی در بخش وسیعی از دنیا، قرن دو جنگ جهانی، بمب و بازدارندگی اتمی و تصفیه دگراندیشی با روش های عقلانی بود. در این میان، به قول نیچه، چه خون ها که در پای مفاهیم مجردی چون آزادی، حقوق و... ریخته شد که در بسیاری از موارد هم آنچه بعد از این همه به دست آمد جز افسوس نبود. قرن بیستم علاوه بر اسامی که بدان نامیده می شود، قرن جنبش ها و نهضت های خشونت آمیز بود. یکی از مهمترین نمودهای این جنبش های



آنچه گاندی بر آن تأکید می‌کرد این بود که اندیشهٔ خشونت پرهیزی، صرفاً عملی منفی نیست بلکه عملی مثبت است، و به توده‌ها امکان می‌دهد تجربهٔ جمعی را بیازمایند و به قدرت خود، آگاهی بیشتری پیدا کنند.

خود، آگاهی بیشتری پیدا کنند. ملایمت و عدم خشونت در شکل مثبت خود از دیدگاه گاندی عبارت است از محبت به معنای وسیع و نیکی عظیم. از این زاویه، پیروان طریقه ملایمت و عدم خشونت نه تنها باید دشمن را دوست بدانند بلکه باید رفتارشان در قبال خطاهای دشمن که با آن‌ها بیگانه است درست مانند رفتاری باشد که با پدر و یا فرزند خطاکار خود دارند. انسان نمی‌تواند دشمن خود را فریب بدهد و یا از او بترسد و یا او را بترساند.

«همان‌طور که نمی‌خواهم از خطاهایی که همواره خود را مسئول آنها می‌دانم رنج ببرم، در برابر دیگران نیز می‌کوشم بدون آسیب رساندن به کسی که بد می‌کند، بدی را هر جا که باشد تعقیب کنم.»^۴

گاندی طریقهٔ ملایمت و عدم خشونت راه مبارزه علیه همهٔ بدی‌ها می‌شمارد و آن را از حس انتقام و کشتار قویتر و فعال‌تر می‌داند. به عقیدهٔ او نباید در برابر شمشیر متجاوز شمشیر بلندتری برداشت بلکه به جای مقاومت جسمی باید مقاومت روحی از خود نشان داد. مقاومت روحی موجب می‌شود که متجاوز به تشویش افتاده و تسلیم بشود.

بنابراین گاندی با تأکید بر وجه مثبت اندیشه عدم خشونت، تحمیل رنج به خویشتن را به جای تحمیل آن بر دیگری توصیه می‌کند. (شاید به همین دلیل یاسپرس دربارهٔ مبارزات استقلال‌طلبانهٔ گاندی معتقد بود که «عدم خشونت گاندی فی‌الواقع خشونت را حذف نمی‌کند و فقط جهت آن را تغییر می‌دهد»^۵؛

را توجه می‌کند. او با پیوند زدن سفتگی مسیحی - ارتدوکسی که از لئو تولستوی زمان نویسی بزرگ روس - از جمله بزرگان معتقد به تفکر عدم خشونت - آموخته بود، میراثی به جا گذاشت که از موهبت‌های قرن بیستم به شمار می‌آید. از نظر او باید از اعمال خشونت، پرهیز کرد. از نظر گاندی تنها پدید آورندهٔ خشونت، خشونت است و تنها روش خلاصی از خشونت، عدم ارتکاب آن است. «سز جز با خشونت پایدار نمی‌ماند. اگر نمی‌خواهیم سز قوت بگیرد باید از هرگونه خشونت پرهیزیم.»^۲

گاندی بر آن تأکید داشت که خشونت در هیچ جا و تحت هیچ شرایطی نباید اعمال شود. این روشی بود که گاندی خود در برابر دشمنانش به کار می‌برد و در نهایت توانست دست استعمارگران و زورگویان را از اموال و امکانات عمومی هم میهنانش کوتاه کند. «تنها نگرفتن جان یک موجود دیگر کافی نیست، بلکه نباید حتی کسانی را هم که ظالم می‌پندارند، مجروح ساخت و هرگز نباید برایشان خشم گرفت؛ باید ایشان را دوست داشت. باید با استبداد مخالفت کرد، ولی نباید به مستبد آزار رسانید. باید او را با محبت مغلوب ساخت و از فرمان او تادم مرگ سربچی کرد.»^۳

البته آنچه گاندی بر آن تأکید می‌کرد این بود که اندیشهٔ خشونت پرهیزی، صرفاً عملی منفی نیست بلکه عملی مثبت است، و به توده‌ها امکان می‌دهد تجربهٔ جمعی را بیازمایند و به قدرت

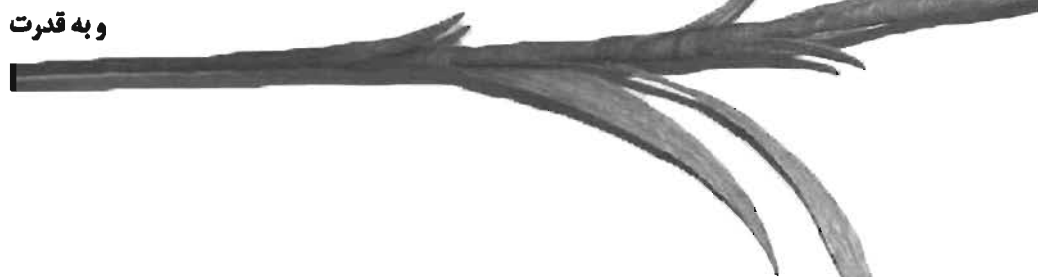
اساسی مکانیسم‌های دفاعی جامعهٔ مدنی در برابر خشونت دولت است. قبل از پرداختن به اندیشهٔ سیاسی گاندی لازم است که دو نکته را همواره مد نظر قرار دهیم:

نخست، تمام گفتار و اعمال گاندی ناشی از احساس و درکی بود که او از واقعیت داشت: «من تابع حقیقت هستم و در واقع، حقیقت را بر آزادی ترجیح می‌دهم»^۱

دوم، او سرسپردهٔ هیچ یک از مکاتب فکری شرق و غرب نبود. گاندی به مسیح(ع) و شیوهٔ مبارزهٔ آن حضرت، که به نظر وی براساس اصل عدم خشونت بوده است، علاقه و ارادت بسیار نشان می‌داد؛ چنانکه به قرآن نیز احترامی شایان می‌نهاد. او در افکار خود از منابع گوناگونی نظیر قدما و همچنین متون یونانی بهره می‌گرفت. اندیشهٔ سیاسی گاندی با وجودی که از مکاتب و اندیشه‌های غربی و شرقی گوناگونی سیراب می‌شود، به هیچ یک از این سرچشمه‌ها تمایلی ندارد.

یکی از اصول بسیار کهن کیش هندو (که «مهاویرا» - مؤسس آیین جین - و «بودا» نیز بر آن مهر تأیید زده‌اند) صدمه زدن به موجودات زنده و پرهیز از آزار و کشتار آنهاست که از آن با عنوان «آهیمسا» یاد می‌شود.

آهیمسا - فلسفهٔ عدم خشونت - گاندی قول ماکیاولی را باور نداشت که هدف وسیله



حمله ماموران بر روی زمین بنشینند و تنها از خود محافظت کنند بدون اینکه کوچکترین خشونت به خرج دهند. دعوت او از مردم برای تحریم کالاهای خارجی و تکیه بر چرخ‌های نخ ریزی از جمله اقدامات مهم او در مبارزه با استعمار انگلستان بود. گاندی در این راه به اقدامات جالب توجه فراوانی دست زد که از جمله آنها می‌توان به بازپس گرداندن مدالی که نایب‌السلطنه به او اعطاء کرده بود یا حضور

بُزدل است. مسلح شدن یعنی ترس و ضعف. از طرف دیگر توجه به این نکته ضروری است که از دیدگاه گاندی، خشونت پرهیزی (اهیمسا) در قالب اصل کلی‌تر مبارزه به خاطر حقیقت (ساتیاگراها) قرار می‌گیرد که در آن «ساتیا» به معنی حقیقت و «گراها» به معنی پافشاری بر آن است. در این مورد گاندی تأکید می‌کند که خشونت پرهیزی باید به عنوان تنها راه رسیدن به حقیقت در نظر گرفته شود و در

چرا که از نظر او حتی ریاضت دادن به خود و رنج‌رسانی به خویش هم نوعی خشونت است.) و اتوایی از راه‌های غیرخشونت‌آمیز را برای مبارزه با دشمن به کار می‌گیرد. اندیشه عدم خشونت، اندیشه‌ای است از سر قدرت و پیرو این اندیشه در حالی از آن تبعیت می‌کند که در موضع قدرت قرار دارد. او رنج و سختی را بر خود روا می‌دارد و از راه‌های غیرخشونت‌آمیز استفاده می‌کند تا دشمن متجاوز را به زانو درآورد و او را به خطاهای خویش آگاه و معترف سازد.

عدم خشونت و ملایمت مورد نظر گاندی به صورت دینامیکی به معنای رنج بردن که هدف آن تسلیم ذلیلانه به اراده افراد شرور باشد، نیست. منظور از عدم خشونت مقاومت ارادی کامل انسان در برابر اراده متجاوز است.

با همان لباس‌های اندک و ساده‌اش در کاخ پادشاه انگلستان اشاره کرد. گاندی بارها در روستاها به فعالیت پرداخت و آموزش مردمان و فرزندانشان برای او بسیار مهم بود. اعتصاب غذا و روزه گرفتن از روش‌های معمول گاندی در مبارزه بود، او می‌گفت باید به خود رنج داد اما بر دشمن خشونت روا نداشت.

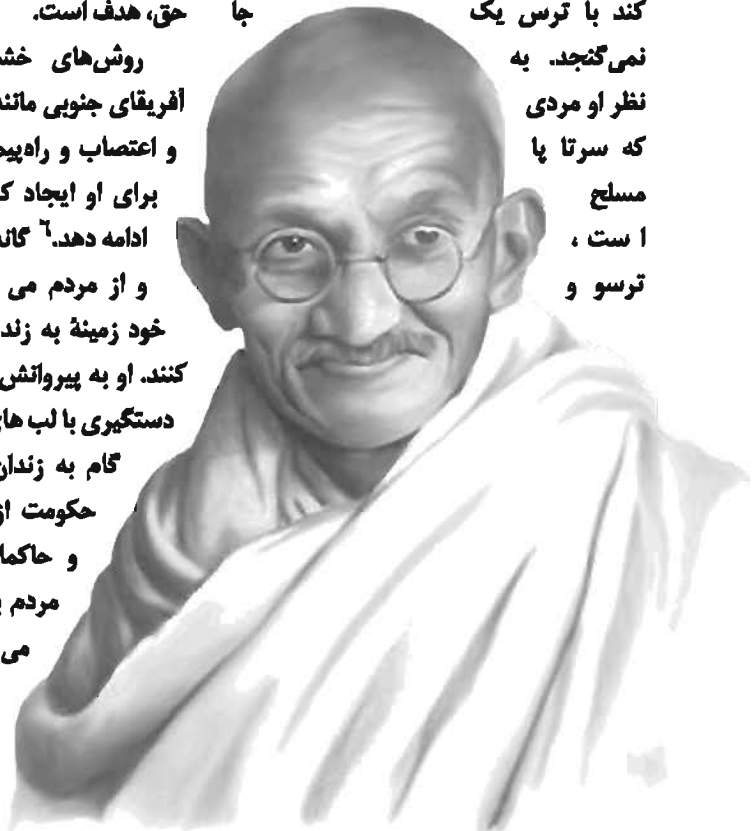
باید توجه داشت که اندیشه عدم خشونت در دیدگاه گاندی به غیر از مبارزات غیرخشونت‌آمیز برای مبارزه با بیگانگان و کسب استقلال هند، شامل یک برنامه دراز مدت توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز می‌شود و در شکلی جامع‌تر، این اندیشه راه و روشی برای زندگی و همچنان که قبلاً هم گفته شد وسیله‌ای برای رسیدن به حقیقت است. روش جدید عدم همکاری مبارزه بدون خشونت گاندی ناگهان ذهن‌ها را روشن ساخت. روشی بود که از دل سنت‌های هند جوانه زد؛ برای ملتی بی‌سلاح کاملاً اجزاشدنی بود و درک و بصیرت گاندی از فرهنگ سیاسی انگلیس موجب طرح این شیوه گشت.^۷ اگرچه از نظر گاندی هدف کوتاه مدتی چون کسب استقلال هند، از مسیری

نتیجه بر یکی از دیگر اندیشه‌های مهم خود یعنی تناسب هدف و وسیله انگشت می‌گذارد. به عبارت دیگر روش‌های خشونت‌آمیز تناسبی با حقیقت ندارند. ملایمت و حقیقت در اهیمسا با هم مربوط و توأم اند و فرق بین این دو از جمله محالات است. هر دوی اینها مانند دو روی یک سکه یا یک قطعه صیقلی شده معدنی هستند، می‌توان گفت ملایمت، وسیله و حق، هدف است.

روش‌های خشونت پرهیز گاندی در آفریقای جنوبی مانند دعوت مردم به اعتراض و اعتصاب و راه‌پیمایی‌های طولانی تجاری برای او ایجاد کرد تا راه خود را در هند ادامه دهد.^۸ گاندی خود به زندان می‌رفت و از مردم می‌خواست تا با اعتراضات خود زمینه به زندان رفتن خویش را آماده کنند. او به پیروانش یاد داده بود تا در هنگام دستگیری با لب‌های خندان و با اراده خویش گام به زندان بگذارند تا زندان‌های حکومت از انبوه جمعیت پر شوند و حاکمان ناگزیر از آزاد کردن مردم باشند. او از دوستدارانش می‌خواست تا در هنگام

عدم خشونت و ملایمت مورد نظر گاندی به صورت دینامیکی به معنای رنج بردن که هدف آن تسلیم ذلیلانه به اراده افراد شرور باشد، نیست. منظور از عدم خشونت مقاومت ارادی کامل انسان در برابر اراده متجاوز است. گاندی اعلام می‌کرد که یقیناً اگر قرار باشد اجباراً بین خشونت و ترس یکی را انتخاب کند، خشونت را انتخاب خواهد کرد، زیرا از نظر او بهتر است هندوستان برای دفاع از شرافت خود به اسلحه دست ببرد تا اینکه تماشاجی باقی مانده و به ننگ تماشاجی بودن تن در دهد. ملایمت و عدم خشونت که گاندی از آن صحبت می‌کند با ترس یک

نمی‌گنجد. به نظر او مردی که سر تا پا مسلح است، ترسو و





دموکراتیکی صورت حقیقی نخواهد یافت، چرا که در صورت حکومت یک حقیقت بر جامعه، دلیلی برای تساهل و احترام گذاشتن به دیگرانی که با این حقیقت موافق نیستند وجود ندارد؛ در نتیجه تنها روشی که الزامی می شود به بند کشیدن یا نابود کردن دیگران است. شاید جدال بین طرفداران تساهل و قائلین به خشونت از اختلاف در اعتقادی بنیادین در خصوص زندگی و هدف سرچشمه می گیرد. ولتر معنای تساهل را این گونه تکمیل می کند: تساهل چیست؟ پیامد طبیعی انسانیت ماست. ما همگی محصول ضعف و سستی هستیم. اِهمال کار و جایز الخطا. پس بیاییم حماقت های یکدیگر را ببخشیم. این اولین اصل در قانون طبیعت است، اولین اصل از حقوق تمامی انسان.

که با طرح جدی و عملی این اصل، تأثیرات مثبتی بر فکر و رفتار هموطنان خویش نهاد، توجه بسیاری از اندیشمندان انسان دوست جهان را — بویژه در اروپای جنگ زده و خشونت گزیده نیمه اول قرن بیستم — به مثابه یک مُصلح بزرگ بشری به سوی او سوق داد. رادها کریشنان، اندیشمند معاصر هند، گاندی را «نماد جاویدان عشق و تفاهم» در دنیایی می شناسد که «از شدت نفرت به توحش رسیده و از شدت سوء تفاهم از هم گسیخته است»^۸ و توین بی، مورخ و تحلیلگر مشهور غربی، معتقد است که «گاندی راهی یافت تا دگرگونی عظیم سیاسی، انتقال قدرت در سطح وسیع، بدون خونریزی و خصومت صورت بگیرد» و با این کار «نمونه ای پیش نهاد تا مابقی دنیا از آن سرمشق، پیروی کنند. او در قلمرو سیاست به

غیرخشن به دست می آمد، اما هدف بلند مدت او ایجاد یک جامعه غیرخشن و حقیقت آمیز بود. گاندی عمیقاً از بروز خشونت در میان هندوها و مسلمانان یا دیدگاه تبعیض آمیز آنها در مورد نجس ها (اچھوت) نگران بود و برای ریشه کنی این مسائل بسیار تلاش می کرد. توسعه اندیشه عدم خشونت (آھیمسا) دستاورد گراتبھایی است که جهان آن را به گاندی مدیون است. عدم خشونت شاید مهمترین رکن اندیشه گاندی باشد که در ترکیب با اندیشه های حقیقت، استقلال، آزادی، برابری و... ساختار اندیشه گاندی را شکل می دهد.

آنچه گاندی می فهمید و بیان می کرد این بود که خشونت رابطه ای با آدمی ندارد و انسان کامل، انسانی است که خشونت را به نحو کامل

رادها کریشنان، اندیشمند معاصر هند، گاندی را «نماد جاویدان عشق و تفاهم» در دنیایی می شناسد که «از شدت نفرت به توحش رسیده و از شدت سوء تفاهم از هم گسیخته است»

بشریت درسی اخلاقی آموخت و این درس در استانه عصر اتم بود؛ عصر پیشرفت اثبات شده انسان در تکنولوژی و علم، و بهره برداری فوری از آن برای ساختن سلاح های کشنده و ویرانگر اتمی.^۹ چنانچه سیاست، هنر سازمان دهی جامعه است، بدون نفی خشونت هیچ گونه عرصه عام

از خود دور نگاه دارد. اندیشه گاندی در آن جا که کاربرد خشونت را حتی در برابر کسانی که بر ما خشونت روا می دارند مجاز نمی داند، معنی و مفهوم پیدا می کند و از اندیشه طرفداران عدم خشونت ظاهری، متمایز می شود. اصل آھیمسا یا نظریه عدم خشونت، به عنوان اساسی ترین رکن اندیشه و عمل گاندی

پانویس:

۵- یاسیرس، مقاله ای که به مناسبت صدمین سالگرد تولد گاندی نوشته ؛ در کتاب:

Mahatma Gandhi, 100 years, Gandhi Peace Foundation (New Dehli, 1968)

۶- رومن رولان، مهاتما گاندی، همان، ص ۲۹ و نیز: ویل دورانت، اختناق هندوستان، ترجمه رحیم نامور، تهران، نشر گام، ۱۳۶۶، ص ۱۰۴.

۷- مقاله «گاندی چی: سنت و تغییر» مندرج در کتاب: Gandhi, edited by S. C. Biswas, Indian Institute of Advanced Study, 199۰

۸- مقاله رادها کریشنان در کتاب: Mahatma Gandhi, 100 years, Gandhi Peace Foundation, (New Dehli, 1968).

۹- نقل از مقاله آرنولد جوزف توین بی، در همان کتاب.

این مقاله اول بار در سایت <http://www.kherad.info> آمده است که اکنون در عاشقانه منتشر می شود.

۱- رومن رولان، مهاتما گاندی، ترجمه محمد قاضی، تهران، روزبهان، ۱۳۶۶، ص ۵۶.

۲- M. K. Gandhi; Tous les homes sont freres, idees Gallimard (Paris 1۹۶۹), P. ۳۳

۳- رومن رولان، مهاتما گاندی، ترجمه محمد قاضی، تهران، روزبهان، ۱۳۶۶، صص ۸۸ — ۸۷

۴- M. K. Gandhi; Tous les homes sont freres, idees Gallimard (Paris ۱۹۶۹), P. ۱۶۲